وزارت فرهنگ و آموزش عالی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پایان نامه دوره کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی

موضوع :

ترجمه

"گزارش درباره طریق التحقیق و تصحیح متن آن"

کار : بو اوتاس

استاد راهنما : جناب آقای دکتر شفیعی کدکنی

استاد مشاور : جناب آقای دکتر پورنامداریان

نگارش : غلامرضا دهبد

۱۳۷۴

SCANDINAVIAN INSTITUTE OF ASIAN STUDIES MONOGRAPH SERIES

NO 13

Ṭarīq ut-taḥqīq

A Sufi Mathnavi
ascribed to Ḥakīm Sanā'ī of Ghazna
and probably composed by
Aḥmad b. al-Ḥasan b. Muḥammad an-Naxčavānī

A critical edition, with a history of the text
and a commentary

Bo Utas

مثنوی

طریق التحقیق

منسوب بحکیم سنائی غزنوی
احتمالا از گفتار
احمد بن الحسن بن محمّد النّخجوانی

با تصحیحات وحواشی و تاریخ متن
بکوشش
بو اُوناس

فهرست مندرجات

مقدمه مترجم یک

پیشگفتار مؤلف ۱

فصل نخست ، منابع متن ۳

الف . نسخ خطی ۳ ، ب. نسخ چاپی ۶

فصل دوم ، تاریخچه متن ۹

الف . نسخ قدیم ۹ ، ب. نتیجه گیریها ۱۸ ، ج. شجره نسخ منابع ۲۱

فصل سوم ، نگارنده اثر ۲۲

الف . شواهد ظاهری ۲۲ ، منابع غربی ۲۲ ، منابع شرقی قدیم ۲۴ منابع شرقی جدید ۲۵ ، تاریخ مرگ سنایی ۲۸

ب. شواهد درونی اثر ۳۱

اشارات شخصی در شعر ۳۱ ، سبک و اصطلاحات ۳۴

ج. نتیجه گیریها ۳۶

فصل چهارم ، مندرجات شعر ۴۰

فصل پنجم ، مبانی ویرایش متن ۶۶

فصل ششم ، کتاب شناسی ۶۹

فصل هفتم ، راهنمای ترتیب ابیات ۸۱

فصل هشتم متن طریق التحقیق ۹۷

فصل نهم ، واژه نامه ۱۵۰

ابتدا سخن به نام خداست

مقدمه مترجم

ادبیات فارسی گسترده ، ژرف ، رنگارنگ و توانگر است و بی تردید در حیات تاریخ مردم ایـران یکـی از سـرمایه های بزرگ ایشان محسوب می شود. در این سرزمین آفرینندگان بزرگ ، آثار ادبی بی مانندی آفریده اند و هنرمندیهای شگرف کرده اند . اما در برابر این گنجینه عظیم "آفرینش" ، مطالعات و پژوهشهای ادبی به هیچ وجه گستردگی و غنـای ابیات ما را ندارد. هنوز متن بسیاری از شاهکارهای ادب فارسی که شالوده تحلیل و تفسـیر واقعـی را فراهـم مـی سـازد تصحیح انتقادی نشده است و حتی در مورد دیوان حافظ و یا شاهنامه فردوسی هم نمی تـوان ادعـا کـرد کـه ایـن کـار کاملا" انجام شده باشد و هنوز برای تدوین تاریخ ادبیات ما ، راه دور و درازی باقی مانده است.

چرایی این امر بیش از آنکه موضوع ادبیات و پژوهشهای ادبی باشد ، موضوع جامعه ماست ، کـه از یـک سـو در ساختار و زندگی اجتماعی خویش امکانات و فرصتهای تحقیقات ادبی را فراهم نساخته است و کار در این حوزه محـدود به آنانی می شود که از خود بگذرند و عاشقانه و پاکباز پای در راه نهند و از سوی دیگر باز همین جامعـه فـاقد آن تـوان پیشرفته علمی و روحیه برگرفته از آن است که دامنه آن به ادبیات و ادبیات شناسی هـم گسـترش یافتـه باشـد. بخـش بزرگی از پژوهشهای ادبی ما ، اگر هنوز در تنگنای "نحویان" عمرش تبه نشده باشد و اگر هنوز از سرگردانی نامگذاریهای بی سرانجام و بیهوده جان به در برده باشد ، در تار و پود رنگین "ذوق" اسیر می ماند و بدین سان از هدفهای کلی علمی مانند عینیت ، بی طرفی و کوشش پیگیر برای گردآوری شواهد مستند و یافتن نظریه های عمومی ، دور می ماند.

اما در زمانه معاصر ، خوشبختانه پژوهشهای علمی در ادبیات فارسـی سـربرآورده اسـت ، هـر چنـد کارنامـه ای کوچک و کوتاه دارد ، اما می بالد و رشد می کند. باید گفت که در شکل گیری و برپایی این جریان آثار خاورشناسـان و شیوه های کاری ایشان نقطه آغاز بوده است. البته می توان در کار این گروه ضعف هایی را مشاهده کرد . مـی تـوان در فهم فارسی ایشان اشتباهاتی را پیدا کرد ، ولی نمی توان ویژگی علمی کارشان را که متأثر از سطح پیشـرفته تـر دانـش در دیارایشان است ، نادیده گرفت. به علاوه چون از فراز بامی دیگر جهان ما را نگریسته اند ، ارزشها را به طـور مقایسـه ای دیده اند و در میزان آن ، به سبب دلبستگی های بومی ، غلو نکرده اند.

* * *

بو اوتاس (Bo Utas) از مردم سوئد ، پژوهشگری است که کارنامه پرباری در زمینه تحقیق در ادبیات فارسی دارد. برخی از آثار او عبارتند از :

- ویرایش ، ترجمه و توضیح "فرهنگ پهلویک" تألیف نی برگ (Nyberg)

- تعابیر ادبی عرفانی فارسی

- یادداشتهایی درباره برخی از کتابخانه های عمومی و نیمه عمومی در خاور نزدیک و میانه که دارای نسخ خطی فارسی و اسلامی هستند.

- تصحیح متن مثنوی طریق التحقیق و پژوهش برای یافتن سراینده واقعی آن

کار اخیر این دانشمند سوئدی ، ویژگی و اهمیت چشمگیری دارد ،

نخست آنکه یکی از متون نظم فارسی را با دقت و وسواس بسیار بر اساس ۲۴ نسخه دستنویس و پنج نسخه چاپی به شیوه ای تصحیح می کند که می توان آنرا نزدیکترین متن به متن اصلی دانست. در عین حال متن مصحح دربرگیرنده همه نسخه های بدل نیز می باشد و توضیحات مفصل پانویس و جدول توالی و ترتیب ابیات خواننده را نسبت به گونه های اختلاف در دیگر نسخ منبع نیز آگاه می سازد.

دوم ، اوتاس با پژوهش و پیگیری اسناد و شواهد ثابت می کند که این مثنوی خلاف تصور شایع ، از حکیم سنایی غزنوی نیست بلکه به بیشترین احتمال ، فردی به نام **[احمدبن الحسن بن محمد النخجوانی]** سراینده این مثنوی است.

این کار روشنگر گوشه ای - هرچند کوچک - در تاریخ ادبیات ما می باشد که خود به تنهایی واجد ارزش و نشانه پژوهشی موفق است.

سوم اوتاس در تصحیح متن و در جستجوی خویش برای یافتن نگارنده واقعی اثر ، شیوه ای را به کار می گیرد که آگاهی از آن برای پژوهشهای ادبی ما بسیار سودمند می باشد . پژوهش گسترده دقت و نکته سنجی هوشمندانه ، شکیبایی علمی و تلاش شگفت انگیز از اوصاف کار او می باشد . کوتاه سخن اینکه "**روش شناسی**" اوست که سومین ارزش عمده کارش را می سازد .

با این وجود به سبب آنکه گزارش تحقیق و توضیحات کتاب به زبان انگلیسی است بسیاری از کار او بی خبر و دست کم بی بهره می باشند و ترجمه آن می تواند برای ادبیات شناسان ما و پژوهشگران ادبی و نیز دانشجویان دوره های عالی ادبیات سودمند باشد.

* * *

ترجمه این اثر به توصیه علامه فرزانه **استاد دکتر شفیعی کدکنی** انجام شد که با وجود انبوهی دانشجویان محضرشان ، بارها به لطف بسیار ، با دانش گسترده و بینش ژرف خویش ، مشکلات کار این شاگرد را برطرف ساختند. از سوی دیگر راهبری این کار از آغاز تا انجام به وسیله استاد دانشمند و ادبیات شناس برجسته **استاد دکتر پورنامداریان** انجام شد که بی دریغ اوقات گرانبهای خود را مصروف راهنمایی این جانب ساختند و هر لحظه محضر ایشان آموزنده و راهگشا بود این شاگرد چه می تواند بکند جز آنکه سپاس و احترام قلبی خویش را نثار این بزرگان سازد و دعا کند که سایه پربرکتشان به درازای دورانها بر سر جامعه فرهنگی و دانشگاهی ما برقرار باشد . و چگونه می تواند از یاری بخت خویش شادمان نباشد که لطف و توجه ایشان ، این کمترین را در بر گرفت.

در اینجا لازم است از همسرم که با دلسوزی مرا در انجام این کار یاری کرد و از خانم ایرانپور که هنرمندانه زحمت تایپ را به عهده گرفتند سپاسگزاری کنم اما دریغا ، آنکس که از آغاز نگران و چشم انتظار پایان این کار بود ، فرجام آن را ندید و در نیمه راه زمانش به سر آمد و از درگذشت او دردی جاودان در جانم جای گرفت. بخشی از این کار بر بستر بیماری پدرم و در نظاره سفر دردناک او به سوی مرگ انجام شد. نمی دانم اینک او در کجای هستی از اینکه کار فرزندش به پایان رسیده است شادمان خواهد بود اگر بشود این کار را به کسی تقدیم کرد ، تردیدی ندارم که آنرا به او و یاد گرامیش تقدیم کنم.

غلامرضا دهبد

پاییز ۱۳۷۴

پیشگفتار

در بهار ۱۹۶۵ ، شادروان پروفسور احمد آتش از دانشگاه استانبول ، فکر فراهم ساختن یک متن انتقادی از مثنوی فارسی طریق التحقیق را به من پیشنهاد کرد. رجوع به مهمترین نسخ خطی این مثنوی را در استانبول و همچنین اندیشه های اساسی درباره موضوع پیچیده تشخیص نگارنده این اثر را نیز به او مدیونم. در نتیجه مطالعات بعدی من ، طرح اصلی کار ، از آنچه که در آغاز قصد کرده بودم ، از جهات مختلف تغییر کرد و مرا واداشت بیش از دیگر چیزها ، بر شناخت تاریخچه نگارش متن تأکید کنم اما هنوز ویژگیهای آن همان پیشنهادهای اولیه پروفسور آتش می باشد . جای تأسف است که اکنون دیگر تقدیم کردن نتایج این کار به او خیلی دیر شده است.

همچنین مایلم که از این فرصت استفاده کنم و سپاس خود را به استادان اصلی ام بیان کنم. به پروفسور **اچ.اس.نی برگ** (H.S. Nyberg) در زبانهای ایرانی ، پروفسور **فری تیوف روندگرن** (Frithiof Rundgren) در عربی و پروفسور **استیگ ویکاندر** (Stig Wikander) در سانسکریت و فقه اللغه هند و اروپایی تطبیقی - همه آنها پیوسته مرا در مطالعاتم پشتیبانی و تشویق کردند. به علاوه سپاس ویژه ای را به معلم و دوست ایرانیم ، استاد **داود منشی زاده** مدیونم که با او توانستم همه مشکلاتی را که در همین کار بروز می کرد بحث و بررسی کنم و کسی است که دستنویس این کتاب را خواند و اطلاحات و بهسازی های بسیاری را پیشنهاد کرد. و نیز سپاسگزارم از آقای برون (J.T.P. de Bruijn) که برای مواد کار مربوط به اشعار سنایی و آثار مربوط به آن ، بی دریغ مرا یاری داد ، از استاد **لارس جوهانسن** (Lars Johanson) که مرا در مورد استفاده از اسناد به زبان ترکی کمک کرد ، از آقای **محمد یعقوب وحیدی** که مواد مهمی را از افغانستان و آسیای میانه تهیه کرد ، از آقای **احمد منشی زاده** که متن فارسی را خواند و پیشنهادهای ارزشمندی ارائه داد و سرانجام از **نیل تام کین سن** (Neil Tomkinson) که این شکیبایی را داشت که انگلیسی مرا درست گرداند.

به نظر می رسد که شمار نسخ خطی و چاپی که از این شعر وجود دارد - بیست و چهار نسخه خطی و پنج نسخه چاپی - زیاد باشد ، ولی با توجه به اینکه این همه آن چیزی است که بعد از جستجوی نسبتاً کامل ، به خصوص در کتابخانه های خاورشناسی ، یافته ام ، مواد متن هنوز باید کاملاً محدود محسوب شود. همراهی این موضوع با کوتاه بودن نسبی شعر و سادگی آن ، بررسی منابع موجود متن را به شیوه ای کامل ممکن ساخته است و با این اندیشه انجام تحقیق مفصل و انتقادی متن را سودمند تشخیص دادم تا اینکه نشان بدهم تاریخچه متنی شعری مثل این را ، در طول یک دوره بیش از پانصد ساله را تا کجا می توان بازسازی کرد. در این تاریخچه ، بی شک پیچیدگی اصلی این است که شعر دست کم به سه نگارنده متفاوت - و البته با بیشترین تداوم به سنایی غزنوی - نسبت داده شده است. برای روشن کردن این وضعیت ، مناسب دانستم که بخش های مرتبط ، در تاریخچه دیگری مثنویهای کوتاه منسوب به سنایی را ، مورد بررسی قرار دهم تا در انتساب مجدد آنها مشابهات بیرون کشیده شود.

به جای ترجمه تحت اللفظی شعر ، سودمند دانستم که شرح مفصلی از محتوای شعر بدهم که شمار بسیاری از اصطلاحات فارسی ، بیانهای استعاره ای و کلمات قوافی با آوانگاری را نیز دربر می گیرد. این واژگان آوانگاری شده همیشه با شماره بیتی که در آن آمده اند همراه است و نیز می تواند در فهرست واژگان فارسی یافته شود که بدین شیوه ، به عنوان یک "راهنمای ابیات" برگزیده از شعر نیز به کار گرفته شود. "شرح" محدود به یادداشتهای زبانشناسی و توضیحی است و قصد آن ندارد که تحلیلی از اندیشه ها و یا اصطلاحات دینی به دست بدهد.

بو اوتاس

نوردهالن - نوامبر ۱۹۷۲

I منابع متن

الف – نسخ خطی

A = استانبول اونیورسیته . FY ۵۹۳ [قبلاً رضا پاشا 3009] ۸۹۰ هجری.

آتش ، فهرست "فارسجه منظوم اتر لر" ، جلد ۱ ، شماره هـای ۱۷ ، ۱۹ ، ۲۵ ، ۱۳۵ ، ۱۵۸ ، ۲۶۱ ، ۲۶۶ ، ۳۵۴ ، ۳۶۹ ، ۳۸۰ و ۵۷۰ ، و نیز رجوع کنید به : ریـتر ، Philologika ، جلـد VII ، صـص ۹۶ و ۹۹ و نـیز Philologika جلد XI ، صص ۲۴۹ - ۲۴۷.

مندرجات :

۱- ۳۰a - ۱b . لمعات فخرالدین عراقی (وفات ۱۲۸۹ / ۶۸۸) ، آتش ، شماره ۲۶۶ . ریتر ، Philologika ، VII ، ص ۹۶.

۲- ۵۴b - ۳۰ b . رباعیات افضل الدین کاشانی (وفات ۱۲۶۸ / ۶۶۶) آتش ، شماره ۱۵۸.

۳- ۱۱۴ a - ۵۵ b طربخانه یاراحمد تبریزی ، گردآوری شده در ۸۶۷ هجری شامل رباعیـات عمـر خیـان (وفات ۱۱۲۱ / ۵۱۵) . آتش ، شماره ۲۵ و مراجعه کنید به

C.H. Rempis , Omar Chajjam und seine vierzeiler ص ۱۸۱ شماره ۱۷.

۴- ۱۴۵a - ۱۱۴b طریق التحقیق در ۸۰۰ بیت ، به عنـوان مصبـاح الارواح معرفـی شـده اسـت از احمـد النخجوانی "المعروف بالجامی" ولی در صفحه آخر کتاب به طریقه المحققین اشاره شده است :

"ثم طریقه المحققین من انشاء ملک العارفین احمد بن الحسن بن محمـد النخجوانـی المعـروف بالجامی"

۵- ۱۸۲b - ۱۵۶b ، زادالمسافریان از [میر] حسینی [سادات] (وفات ۱۳۱۸ / ۷۱۸) ، آتش ، شماره ۱ / ۳۶۹.

۶- ۲۰۷ b - ۱۸۲ b ، گلشن راز از شیخ محمود [شبستری] (وفات ۱۳۲۰ / ۷۲۰). آتش شماره ۳۵۴.

۷- ۲۲۶ b - ۲۰۷ b نصایح نامه منسوب به مولانا جلا الدین رومی (وفات ۱۲۷۳ / ۶۷۲) آتش ، شماره ۱۳۵ (که آنرا به عنوان "رندنامه عطار" فهرست می کند. بیت نخستین آن همانند بیتی است که عموماً به عنوان بیت دوم در پندنامه آورده می شود :

آنکه در آدم دمید او روح را　　داد از طوفان نجات او نوح را

با این وجود آتش در همین کاتالوگ تحت شماره ۷۹۲ ، مثنویی را ثبت می کند موسوم به "نصایح ولد" که آنهم با این بیت شروع می شود..ریتر در Philologika ، XI ، ص ۲۴۸ چنین مطرح می سازد :

"Wohl Auswahl aus dem Matnawi" (یک انتخاب از مثنوی) در حالی که همین مؤلف در کتاب خویش Philologika ، XIV ، ص ۳۸ از دستنوشتی به نام "پند عطار" نام می برد که با همین بیت آن کتاب آغاز می شود ولی عنوان "ولد نامه جلال الدین" را دارد. رازی (هفت اقلیم ، ویراسته فاضل ج ۲ ص ۲۲۸) در بین مثنویهای عطار از ولد نامه اسم می برد که ریتر این امر را رد می کند. Philologika ، X ، ص ۱۶۰.

۸- ۲۳۱ b - ۲۲۷ a سعادت نامه منسوب به ناصر خسرو (ولی واضح است که به وسیله ناصرالدین خسرو اصفهانی ، وفات ۱۳۵۲ / ۷۵۳ ، نگارش یافته است). آتش شماره ۱۹.

۹- ۲۴۴۸ b - ۲۳۲ b ، روشنی نامه ناصر خسرو (وفات ۱۰۸۸ / ۴۸۱) آتش ، شماره ۱۹.

۱۰- ۲۶۷ b - ۲۴۹ b ، دستور نامه از حکیم [سعدالدین] نزاری (وفات ۱۳۲۰ / ۷۲۰) آتش شماره ۳۸۰.

۱۱- ۳۰۳ a - ۲۶۸ b ، عشاق نامه [یا ده فصل] از شیخ [فخراندین] عراقی ، آتش شماره ۲۶۱ . ریتر ، Philologika ، VII ، ص ۹۹ .

۱۲- ۳۳۸ a - ۳۰۳ b کنزالرموز از [میر] حسینی [سادات] ، آتش شماره ۲ / ۳۶۹.

تاریخ : در صفحه آخر "لمعات" ، رمضان ۸۹۰ هجری (سپتامبر / اکتبر ۱۴۸۵ میلادی) آورده شده است و این تاریخ تقریباً برای بقیه این دستنوشت ، به جز برگهای ۲۹۶ تا ۳۰۸ که به خط کسی دیگر و روی کاغذی متفاوت است ، معتبر می باشد.

کاتب : نام برده نشده است و به جز برگهای ۲۹۶ تا ۳۰۸ با یک خط نوشته شده است.

مشخصات : cm (۱۱۰۵ × ۸/۰) ۱۷/۵ × ۱۲/۰ ، ۳۳۸ برگه ، ۱۴ سطر تعلیق (برای مشخصات بیشتر به آتش ، شماره ۲۶۶ مراجعه کنید.)

شیوه نگارش : "پ" عمدتاً به صورت "ب" ولی به همان صورت "پ" نیز نوشته شده است. **ح** گاهی به صورت **چ** آمده است . "چ" عمدتاً به صورت "ج" و نیز به صورت **چ** نوشته شده است.. میان واکی (intervocalic) **د** گاهی به صورت **ذ** ، **ژ** ممکن است به صورت **ز** ، **س** گاهی به صورت **ص** مشخص شده است. **ع** گاهی **ع**، **گ** همیشه به صورت **ک** نوشته شده است ، همزه اصلی در میان کلمات اغلب هم به صورت همزه و هم به صورت یاء آمده است ، مثلاً دائم ، **مد** تقریباً به همان نسبت که نوشته شده به همان نسبت **هم** حذف شده است. **تشدید** ، **سکون** و **علائم مصوتهای کوتاه** به ندرت به کار رفته است. نقطه گذاری حروف صامت به ندرت حذف شده است و اگر هم حذف شده است عمدتاً در مورد **ی** بوده است. آوردن **که** و **چه** به صورت **ک** و **چ** فقط در موارد معدودی یافت می شود.

توجه : آنگاه مؤلف بدین شیوه ، تمامی نسخ خطی را یک به یک با ذکر مشخصات توضیح می دهد (مترجم)

ب- نسخ چاپی

نسخه چاپی a :

طریق التحقیق از حکیم سنایی غزنوی ، ویرایش **مولا علی صحاف** چاپ نخست . عبدالوهاب [تهران] ۱۳۰۹ هجری قمری (= ۹۲ - ۱۸۹۱ میلادی) ، چاپ سنگی ۷ ۹۴ صفحه (به طور وضوح بدون عنوان چاپ شده است ولی عموماً با عنوان طریق التحقیق نقل شده است. نگاه کنید مثلاً به سعید نفیسی در تصحیح خود از لباب الالباب . تعلیقات ، ص ۷۲۱.

مندرجات:

صص ۸۹ - ۱ ، طریق التحقیق در ۸۷۴ بیت.

صص ۹۳ - ۹۰ قصیده ای از سنایی (= دیوان سنایی ، تصحیح مدرس رضوی ، ۱۳۴۱) صص ۴۸۹ - ۴۸۴ در ۴۳ بیت تحت عنوان : "در زهد و عزلت و طریق معرفت فرماید"

و با این بیت آغاز می شود:

برگ بی برگی نداری لاف درویشی مزن　　رخ چو عیاران میارا چان چو نامردان مکن

در ص ۹۴ ، انتهای کتاب ، می خوانیم :

این رساله شریفه که از رشحات خاطر حکیم ربانی تاج الحکماء و العرفا و الشعراء حکیم سنایی غزنوی علیه الرحمه و دارای علوم معرفت الله و سرمشق حق شناسی است و نسخه آن تا این زمان بشرف انطباع نیذیرفته بود این حقیر سرا پا تقصیر با تأییدات الهی و استعانت و همراهی عالیقدر آقا ملا علی مشهور بصحاف نسخه مزبوره را بطبع رسانید از ناظران و مطالعه کنندگان این نسخه شریفه استدعای ادعیه خیریه دارم عبدالوهاب سنه ۱۳ [۰] ۹

این ویراسته ، به وسیله مدرس رضوی در مثنویهای سنایی ، مقدمه ص ۱۴ ذکر و بوسیله او در تصحیح طریق التحقیق با نشانه جیم استفاده شده است. این کتاب رایج نیست ولی در کتابخانه مجلس ، تهران با شماره ۷۸/۳۵۹ و در کتابخانه دانشکده حقوق دانشگاه تهران با شماره "۵۵۶ چاپی" در دسترس می باشد.

توجه : در مورد نسخ چاپی نیز ،توضیح مشخصات برای همه منابع به همین شیوه انجام می شود.

(مترجم)

نشانه های اختصاری منابع

A = دستنوشت ، استانبول ، دانشگاه ، FY ۵۹۳ (۸۹۰ هجری)

B = دستنوشت ، استانبول ، دانشگاه ، FY ۷۴۷ (۸۹۸ هجری)

C = دستنوشت ، لندن ، ایندیا آفیس ، ۱۴۳۰ (۱۰۶۱ هجری)

D = دستنوشت شخصی ، وحدتی لاریجانی ، ایران (۱۰۶۳ هجری)

E = دستنوشت ، تهران ، مجلس ۵۰۴۲ (۷۶ - ۱۰۷۵ هجری)

F = دستنوشت ، لاهور ، دانشگاه پنجاب Spi ، VI ، ۳۶۳۶ / ۵ (۱۰۷۸ هجری)

G = دستنوشت ، تاشکند ، آکادمی علوم ، ۳۰۴۸ (۱۰۹۶ هجری)

H = دستنوشت ، لندن ، ایندیا آفیس ، ۳۳۴۶ (سده یازدهم هجری ؟)

I = دستنوشت ، لاهور ، دانشگاه پنجاب ، pi ، VI ، ۶۲۰ / ۲۱۹

J = دستنوشت ، کابل ، کتابخانه عامه ، ۶۹ (پایان سده سیزدهم هجری ؟)

K = دستنوشت شخصی اوتاس ، سوئد (آغاز سده سیزدهم هجری ؟)

L = دستنوشت شخصی ملک الشعرا بهار ، ایران (۱۲۶۲ هجری)

M = دستنوشت ، تهران ، ۲۲۲۰ (۱۲۶۸ هجری)

N = دستنوشت ، تهران ، کتابخانه سلطنتی ، شماره ؟ (۱۲۷۰ هجری)

O = دستنوشت ، استانبول ، دانشگاه ، FY ۱۵۳۹ (۱۲۷۱ هجری)

P = دستنوشت ، لندن ، ایندیا آفیس ، ۴۵۸۲ (۱۲۷۴ هجری)

Q = دستنوشت ، استانبول ، دانشگاه ، FY ۷۰ (۱۲۷۴ هجری)

R = دستنوشت ، استانبول ، نافذپاشا ، ۴۲۷ (۱۲۷۷ هجری)

S = دستنوشت ، تهران ، مجلس ۴۱۵ (۱۲۸۵ هجری)

T = دستنوشت ، کابل ، موزه ۲۶۹ (۱۲۹۳ هجری)

U = دستنوشت ، تهران ، مجلس ۱۲ - N (پایان سده سیزدهم هجری ؟)

V = دستنوشت ، کابل ، کتابخانه عامه ، الف - ح / ۹ (سده سیزدهم هجری ؟)

X = دستنوشت ، تهران ، دانشکده الهیات D ۳۲۲ (سده سیزدهم هجری ؟)

Y = دستنوشت شخصی اصغر مهدوی ، ایران (۱۳۱۷ هجری)

a = ویراسته چاپی تهارن ۱۳۰۹ هجری قمری

b = ویراسته چاپی بمبئی ۱۳۱۸ هجری قمری

c = ویراسته چاپی لاهور ۱۹۳۶ هجری میلادی

d = ویراسته چاپی شیراز ۱۳۱۸ هجری شمسی

e = ویراسته چاپی تهران ۱۳۴۸ هجری شمسی

II – تاریخچه متن

A . نسخ قدیمی (Old Version)

قدیمی ترین دستنوشت شناخته شده که شامل متن می باشد و در اینجا از آن استفاده شده است ، (دستوشت A) به وسیله **هلموت ریتر** (Hellmut Ritter) در بخش یازدهم کتاب اساسی او دوره Philologika (صص ۲۴۷ ، ۲۴۹ - ۱۹۴۲) توصیف شده است و او نخستین کسی است که مطرح می سازد شعری که آنجا به شخصی به نام احمدبن الحسن بن محمد النخجوانی "المعروف بالجامی" منسوب است ، با مثنوی طریق التحقیق که از دیگر سو به حکیم سنایی غزنوی منسوب است یکسان می باشد. سپس **احمد آتش** ، شاگرد ترک برجسته او ، این نظر را دنبال کرد و آن را با رجوع به نسخه خطی دیگری از استانبول که تقریباً همین تاریخ را دارد ، یعنی دستنوشت B - مقایسه کرد. در این نسخه ، این شعر در شکلی نزدیک به آنچه که در دستنوشت A آمده است و همچنین بدون انتساب به سنایی دیده می شود.

دستنوشت A

دستنوشت A مجموعه ای است که به جز استثنایی کوچک ، همه به وسیله یک نفر نوشته شده است. این مجموعه در برگیرنده ۱۲ اثر است که به نه نویسنده مختلف منسوب هستند و همه به جز النخجوانی از شاعران کلاسیک مشهور می باشند که بین سالهای ۱۰۸۸ / ۴۸۱ (ناصر خسرو) و ۱۳۲۰ / ۷۲۰ (شبستری) وفات یافته اند. از این آثار هشت تای آن در قالب مثنوی است و یکی دیگر (عشاق نامه) آمیخته ای از مثنوی و غزل می باشد. در این مثنوی ها مجموعه ای گوناگون از بحور عروضی به کار گرفته شده است: هزج مسدس (گلستان راز ، سعادت نامه و روشنایی نامه) ، هزج اخزب مسدس (زادالمسافرین) ، رمل مسدس (نصایح نامه ، کنزالرموز) ، خفیف (طریق التحقیق ، عشاق نامه) و متقارب (دستور نامه) . علاوه بر مثنوی ها ، این مجموعه در بر گیرنده دو منتخب از رباعیات و قطعه ای

از نثر آمیخته به شعر (لمعات) می باشد. از نظر محتوا ، هفت اثر (شماره هـای ۱، ۴، ۵، ۶، ۷، ۱۱ و ۱۲) آشـکارا هویـت عرفانی دارند و دو اثر دیگر ، رباعیات فلسفی و شک آمیز هستند (شماره های ۲ و ۳) در حالی که سه اثر (شـماره هـای ۸، ۹ و ۱۰) اشعار اخلاقی عمومی و تعلیمی می باشند (اسماعیلیه که از سوی ناصرخسرو و نزاری مطـرح مـی شـوند در اینجا قابل چشم پوشی هستند.)

به طور کلی گزینش آثار در این دستنوشت می باید نسبتاً همگون دانسته شود ، هم در شکل و هم در محتـوا ، و طریق التحقیق که یک مثنوی هم عارفانه و هم به طور کلی دارای محتوای تعلیمی و اخلاقی همگانی است ، به خوبی با این مجموعه متناسب است. اما به هر حال این مثنوی در دو زمینه از دیگر آثار این مجموعه متفاوت است : یکی آنکـه به یک نگارنده مشهور نسبت داده نشده است و دیگر اینکه عنوان آن ابهام قابل ملاحظه ای دارد. از مورد اخیر آغاز مـی کنیم : در فهرست (برگ 9a) و عنوان (برگ 114b) مصباح الارواح آمـده اسـت. در حـالی کـه در صفحـه آخـر (بـرگ 145a) طریقت المحققین دیده می شود. افزون بر این ، دستنوشت A ، بیت ۲۱۰ طریـق التحقیـق را فـاقد اسـت (بـه صورتی که در دیگر منابع به جز دستنوشتهای G و V ، آمده است). در بیت مذکور ، نام اثر به طور واضح معرفی شده است:

داد ایزد شعار توفیقش　　نام کرده طریق تحقیقش

نام مؤلف در کوتاهترین شکل آن احمد النخجوانی اعلام شده است (فهرست ، برگ 1a) . در حالی کـه "عنـوان" (برگه 114 b) "المعروف بالجامی" را اضافه می کند و در صفحه آخر (برگه 145a) نام کامل را ارائه می دهد : احمد بن الحسن بن محمد النخجوانی المعروف بالجامی . به نظر می رسد که مراجع کلاسیک نمی توانند درباره این نام کمکی به ما بکنند . جز یک استثنای مهم : کاتب چلبی (حاجی خلیفه وفات ۱۶۵۸ / ۱۰۶۹) در کشف الظنون ، اثـر کتابشناسـی مفصل خود به زبان عربی ، این مثنوی را به طور وضوح ثبت می کند ، اما نوشته او به طور قابل ملاحظـه ای در نسـخه های مختلف این کتاب متفاوت است. حالت کاملتر در نسخه استانبول آمده است که مربوط به تـاریخ ۴۲ - ۱۹۴۱ / ۶۲ - ۱۳۶۰ می باشد:

"مصباح الارواح و اسرار الاشباح - للشیخ اوحدالدین احمد بن الحسن بن محمد النخجوانی الکرمانی المتوفی سنه ۵۳۴ ، منظومه اولها　　ابتداء سخن بنام خداست　　السخ" در چـاپ ویراسـته فلوگـل Flugel (۳۸ - ۱۸۳۵ ، جلد پنج ، ص ۵۷۷) در زیر این مدخل ، مطلب زیر را می خوانیم (تاریخ وفات حذف شده است):

مصباح الارواح و اسرار الاشباح للشیخ اوحد الدین الکرمانی المتوفی سنه

این اختلاف بزرگ را بدیع الزمان فروزانفر نتیجه تجدید نظر خود حاجی خلیفه توضیح می دهد ، به دیگر سخن نقل قول نخستین را تجدید نظر شده و تکمیل شده دومی می داند.

دو مرجع جدید نیز وجود دارد که در آنها شاعری با این نام ذکر شده است. یکی در کتاب "تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی (۱۳۴۴) نوشته سعید نفیسی (ج ۲ ، ص ۷۵۸ ، شماره ۶۶) یافته شده است. در آنجا ما می خوانیم : "نام احمد نخجوانی مؤلف مصباح الارواح در تصوف در میان نامهایی است که بایستی به مؤلفان قرن هشتم اضافه شود" (همان ، صفحه ۷۵۵). دیگری توصیفی است که از دستنوشت شماره ۲۴۲ در "کتابخانه مجلس سنا" در تهران به وسیله محمد تقی دانش پژوه انجام شده است. این نسخه خطی یکی از قدیمی ترین رونوشتهای موجود (به تاریخ ۶۸۰) هجری) از مثنوی "مصباح الارواح" است که عمدتا" به اوحدالدین کرمانی (متوفی ۱۲۳۸ / ۶۳۵) نسبت داده می شود ولی به احتمال زیاد به وسیله فردی به نام شمس الدین محمد بن ایل طوغان بردسیری کرمانی تصنیف شده است لیکن ابتدای خود نسخه ناقص است (شش بیت ندارد) : کتاب نام شاعر را ذکر نمی کند و اتر فقط "مصباح الارواح" نامیده می شود. بدین ترتیب نامهایی که در توصیف آورده شده است باید به وسیله خود دانش پژوه فراهم شده باشد. این نامها عبارتند : **مصباح الارواح و اسرار الاشباح** از اوحدالدین ابو حمید بن ابی الفخر حسن نخجوانی کرمانی.

دلیل واضح برای این آشفتگی د رسه مرجع پیشگفته ، با هم اشتباه کردن دو شعر متفاوت و شاعران آنهاست. یکی مصباح الارواح اصلی که (در بحر هزج اخزب مسدس) از شمس الدین کرمانی است که بدین ترتیب آغاز می شود (ویراسته فروزانفر ، ص ۱۰) :

چون غزه صبح گشت غزا شد طره آسمان مطرا

و دیگری شعر حاضر ، یعنی طریق التحقیق (در بحر خفیف) می باشد. این امر می تواند به واسطه این واقعیت که نام مصباح الارواح در طریق التحقیق به صورت بخشی از عنوان (عنوان ۱) از فصل نخست بخش اصلی شعر آمده است ، ممکن شده باشد. در دستنوشت A ، این موضوع یک عنوان کامل را تشکیل می دهد. همچنین باید توجه کرد که شباهت معینی بین نام شخص مورد بحث ما و نام عارف مشهور شیخ احمد جام "ژنده پیل" (متوفی ۱۱۴۱ / ۵۳۶) وجود دارد که نام کاملش براساس نظر **فریتز می یر** Fritz Meier شهاب الدین ابونصر احمدبن ابی الحسن بن احمدبن محمد بن محمد النامقی الجامی می باشد. اشتباه کردن این دو نام ، عملا" در کتاب ترکی "اسلام انسیکلوپدی سی" (۱۹۴۳ ، ج . ۳ ، ص . ۱۵) دیده می شود در جایی که درباره احمد جامی چنین گفته شده است:

"Misbah al-arvah isminde bir risalesi istanbul, Riza pasa kutup., nr 3009 Yazmda (vr. 114b - 145 a , mevcuttur" ، (رساله ای به نام مصباح الارواح از کتابخانه رضاپاشا در یزم استانبول به شماره ۳۰۰۹ - ص ۱۴۵a - ۱۱۴b موجود است)

دستنوشتی که بدان اشاره می شود چیزی جز نسخه خطی A نیست (اونیورسیته FY ، 593 که قبلاً رضاپاشا 3009 بوده است) و رساله ای که در اینجا ذکر می شود چیزی جز طریق التحقیق نیست (برگه های - 145 a 114b) ! اشتباه آشکارا به خاطر مشابهت نسبتاً نزدیک بین این دو نام است. در ویرایش جدید دانشنامه اسلام Encyclopaedia of Islam (ج ۱ ، 60 - 1954 ، ص ۲۸۳) **فریتز می یر** آنقدر خردمند است که شک خویش درباره انتساب این اثر را بدین شرح بیان می کند : "مصباح الارواح ... احتمالاً اثری به وسیله احمد نیست." با این وجود این دو نام خیلی به یکدیگر نزدیک می باشند ، به طوری که نسبت نخجوانی در برابر نامقی تنها عنصر تشخیصی معین می باشد. ولی از آنجا که هر دو نسبت کاملاً قطعی هستند و به علاوه زندگی و آثار احمد جامی به طور قابل قبولی مشهور است و با واقعیتهای سبک طریق التحقیق موافقت ندارد ، این احتمال که هر دو شاعر یکی باشند می تواند رد شود.

در مجموعه ای بی نام از افسانه هایی درباره اوحدالدین کرمانی موسوم به "**مناقب**" داستانی درباره مردی بسیار درستکار و دیندار به نام احمد نخجوانی وجود دارد که به زیارت مکه می رود ، قصد دارد که در آنجا بماند ولی بیمار و بینوا می گردد و به طور معجزه آسایی به وسیله اوحدالدین به نخجوان بازگردانده می شود. به خاطر ویژگی افسانه ای این داستان تقریباً به چیزی درباره زندگی آن مرد دست نمی یابیم : او فوق العاده دیندار است ، خانواده ای دارد و در زمان زندگانی اوحذالدین و یا دست کم پیش از پایان قرن هفتم هجری (قرن سیزدهم میلادی) .. زمانی که می بایستی مناقب نوشته شده باشد - در نخجوان زندگی می کرده است. با این وجود ناممکن است که او ارتباطی با احمد النخجوانی مورد بحث داشته باشد و به نظر نمی رسد هیچ چیز جز نام آن دو را به هم مرتبط سازد.

اینک اگر بازگردیم به این پرسش که نگارنده طریق التحقیق کیست ، به عنوان یک فرضیه قابل قبول می تواند اعلام شود که احمد النخجوانی مذکور در دستنوشت A ، گوینده شعر است. نام او سه بار به طور واضح و روشن در این قدمی ترین نسخه مفصل شعر آورده دشه است و همچنین در ادبیات تذکره ای و کتابشناسی شناخته شده است و در این مورد ، به ویژه یادداشت حاجی خلیفه در نسخه تفصیل یافته کتابش متقاعد کننده است ، زیرا نخستین مصرع شعر را به طور صحیح نقل می کند.

تأییدی - که تا حدی سرگردان کننده هم هست ، برای این انتساب در بین ۹۴۴ خود شعر یافت می شود که یکی از یازده بیتی است که در دستنوشت A (و نیز در B) دیده نمی شود در بقیه دستنوشته های قدیمی J , H , E , D , C)) بیت مذکور بدین شرح است :

نخجوان را که فخر هر طرفست　　در جهانش بدین سخن شرف است

اشاره به شهر نخجوان در ارمنستان (۱۴۰ کیلومتری شمالغربی تبریز) ، همان طور در شرحی که در حاشیه دستنوشت I آمده است (نخجوان بالفتح وجیم پارسی نام ولایت و نام موضعی) به روشنی مشخص است و هیچ کاربردی در دستنوشتهایی که در آنها اثر به سنایی غزنوی منسوب شده است ، ندارد و در نسخ خطی بعدی و نسخ چاپی به شیوه های مختلف عوض شده است (نگ . ص ۱۹۵) ، ولی اهمیت کامل خویش را در ارتباط با نام احمد النخجوانی به دست می دهد.

این امر به طور مطلق غیرممکن نیست که اثری از شاعری مشخصاً ناشناس مانند احمد النخجوانی در مجموعه ای از شماری از رایج ترین و نامدارترین شاعران زمان پذیرفته شود. ولی دلایلی چند وجود دارد که بتوان حدس زد که این اشتراک کننده ناشناس ، شهرت محلی معینی در زمان و مکان خاستگاه نسخه داشته باشد. دستنوشت A ، هیچ آگاهیی درباره خاستگاه آن ندارد ، ولی در الحاقیه بی نامی از مجموعه ای از شروح بر رباعیات عمر خیام به وسیله یار احمدبن حسین رشیدی تبریزی در سال ۶۳ - ۱۴۶۲ / ۸۶۷ ، یا به دیگر سخن ۲۳ سال پیش از تاریخ دستنوشت A ، اشاره مبهمی به ریشه ایرانی شمال شرقی آن می تواند دیده شود. در حقیقت کاملاً ممکن است که این دستنوشت در نزدیکی تبریز - که در آن زمان پایتخت بوده است - نوشته شده باشد و در این صورت ممکن است یک شهرت محلی که تا النخجوانی امتداد یابد وجود داشته باشد. که در این حالت او به سختی می تواند بیش از ۲۰۰ سال پیش از کتابت A زیسته باشد.

این ها همه خیلی فرضی هستند ولی حتی این چنین ملاحظاتی ، تاریخ غیرقابل انتظار ۵۳۴ هجری را که به وسیله حاجی خلیفه برای مرگ احمد النخجوانی داده شده است (چاپ استانبول) زیر سؤال می برد. اگر چه بیتی که به وسیله حاجی خلیفه ذکر شده است مخصوصاً ، نظر به مأموریت های او به این نواحی ، می تواند نشانگر بر ریشه ایرانی غربی باشد ، ولی اگر این صحیح باشد که صورت کاملتر نسخه استانبول نتیجه تجدیدنظر در نسخه ای است که در چاپ فلوگل وجود دارد ، این تجدید نظر بیشتر باید بر پایه مواد خطی استانبول صورت گرفته باشد. معلوم نیست که چه زمانی دستنوشت A در کتابخانه های آن شهر نگهداری شده است ولی حتماً در سال ۱۶۵۸ / ۱۰۶۹ در آنجا بوده است. بنابراین غیر ممکن نیست که این دستنوشت یا یکی دیگر که خیلی نزدیک به آن باشد سرچشمه تجدیدنظر در

این پاراگراف شده باشد. ولی نظر به تاریخی که برای مرگ مؤلف داده شده است (اگر صحیح باشد) نمی تواند تنها منبع بوده باشد. به علاوه باید این موضوع را به یاد داشت که اگر صورت جدید بدین ترتیب فراهم آمده باشد ، این تجدید نظر براساس اصلی بوده است و بدین طریق نام شاعر ، آمیخته ای از بودن هر دوی "اوحدالدین " و "الکرمانی" در آن است.

عنوان شعر ، در هر دو صورت کتاب حاجی خلیفه ، شکل طولانی "مصباح الارواح و اسرار الاشباح" را دارد که بر خلاف عنوان ساده مصباح الارواح است که در دستنوشت A و نیز در عنوان ۱۹ همین دستنوشت آمده است و اما با کمال شگفتی به نظر نمی رسد که نام طویل تر نیز اصلی برای نام مناسب "مصباح الارواح" باشد.

در منابع متأخری که نقل شد (ص ۴۳) نامی که سعید نفیسی نقل می کند ساده ترین شکل ممکن را دارد :"مصباح الارواح احمد نخجوانی" که هر اصلی می تواند داشته باشد ، در حالی که دانش پژوه نام شعر را به همان شیوه حاجی خلیفه ارائه می کند. نام مؤلف نیز همان است ولی افزوده ابو حمید وابن ابی الفخر (بدون ابن محمد) را دارد و بدین ترتیب حتی ممکن می سازد که بین نامهای احمد نخجوانی و اوحدالدین کرمانی اشتباه کاملتری پیش آید. به نظر می رسد که منبع او ترکیبی از نظر حاجی خلیفه با شکل مشهور نام اوحدالدین باشد.

مباحث فوق را می شود بدین شرح جمعبندی کرد : عنوان اصلی شعر طریق التحقیق بوده است ، ولی موقعیت مرکزی عنوانی که شامل کلمات "مصباح الارواح" می باشد همراه با وجود شعر نسبتاً شناخته شده تری با نام و محتوای مشابه سبب شد که برای آیندگان این امر اشتباه دریافته شود. اگر چه کاتب دستنوشت A و یا نمونه ای که از رویش نوشته است نسبت به این موضوع تردید داشته است و با نام مصباح الارواح آغاز می کند [۱۰۱] سپس بیت ۲۱۰ را که در آن نام واقعی شعر داده شده است حذف می کند و با نام مبهم "طریقه المحققین" به پایان می برد.

(شاید هم اصلاً مقصودش از آن یک عنوان نبوده است). همزمان ، همان طور که ما در آنچه که از منابع ثانوی در فوق نقل شد دیده ایم ، ابهامی درباره نام مؤلف ادعایی برای مصباح الارواح حقیق پیدا شد. پیامد این ابهام در ارتباط با دستنوشت B آشکارتر است و در زیر کاملاً مورد بحث قرار خواهد گرفت.

به هر حال مشکل دیگری درباره نام نگارنده مذکور در دستنوشت A ، باقی می ماند. اگر چه تخلص "الجامی" به روشنی هم در عنوان و هم در صفحه آخر نوشته شده است ، از بیت های ۶۰۱ و ۶۰۲ (در دستنوشت A ، برگه 135 a $^{3-4}$) ،آشکار می گردد که جایی اشتباه رخ داده است:

ای لجامی زجسم و جان بگسل — هر چه آن غیر اوست زان بگسل

صفت شعر و شاعری بگذار — دست از گفت و گوی هرزه بدار